

شناخت مسایل و زمینه‌های بروز مشکلات محیط‌زیستی: کاربرد نظریه داده بنیاد در مناطق روستایی غرب گیلان

سونا حبیبی^۱، صادق صالحی^{۲*}

۱. دانش آموخته دکترای مسائل اجتماعی ایران، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

(پژوهشی)

(دریافت: ۹۹/۱۰/۲۲ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۷)

<http://dx.doi.org/10.52547/sdge.3.4.73>

چکیده

با فراگیر شدن مشکلات محیط‌زیستی، اکوسیستم‌های طبیعی در مناطق روستایی نیز در معرض نابودی قرار دارد. این چالش‌ها عمدتاً ناشی از رفتارهای افراد در تعامل با طبیعت است. هدف تحقیق حاضر، بررسی و شناسایی زمینه‌های بروز و شکل‌گیری مشکلات محیط‌زیستی در مناطق روستایی استان گیلان می‌باشد. این تحقیق براساس رویکرد کیفی و مبتنی بر نظریه داده-بنیاد است. محدوده جغرافیایی تحقیق را روستاهای غرب استان گیلان و جامعه آماری آن را روستائیان آن مناطق در سال ۱۳۹۹ تشکیل دادند. با استفاده از نمونه‌گیری اشباع نظری با ۲۵ نفر از روستائیان و کارشناسان محیط‌زیستی، مصاحبه‌های عمیق صورت گرفت. روایی و پایایی این پژوهش براساس اعتباریابی توسط مشارکت‌کنندگان ارزیابی گردید. تحلیل داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری صورت گرفت. ۷ مفهوم به عنوان مهم‌ترین مسائل محیط‌زیستی شناسایی شد. در کدگذاری انتخابی، هسته اصلی یعنی «تخریب محیط‌زیست و ناپایداری اکوسیستم» کشف و مدل نهایی پارادایمی ترسیم شد. شرایط علی شامل بهره‌برداری مشاع، عدم تفکیک مرز عرصه ملی و شخصی، تغییر کاربری، دیوی زباله، بد مصرفی، چرای بی‌رویه، منفعت‌طلبی و بهره‌برداری معیشتی می‌باشد. شرایط مداخله‌گر شامل ملی بودن منابع طبیعی، ضعف نظارتی و بهره‌برداری غیراصولی می‌باشد. در مجموع، یافته‌ها نشان داد که تخریب محیط‌زیست یک پدیده چندعلیتی است که پیوستاری از همگرایی بین مجموعه شرایط علی و مداخله‌گر در بستری از عوامل ساختی و رفتارهای روستائیان، زمینه‌های بروز آن را موجب شده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت که جهت کاهش تخریب و آلودگی و حفظ محیط‌زیست، اصلاحات ساختی در حوزه‌های زیربنایی، حمایتی و آموزشی جهت ارتقاء رفتارهای حفاظت از محیط‌زیست ضروری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تخریب محیط‌زیست، مناطق روستایی غرب گیلان، ناپایداری اکوسیستم، نظریه داده بنیاد.

مقدمه

گزارش کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه «حفظ و نگهداری منابع طبیعی» را یکی از اهداف کارکردی توسعه پایدار مطرح نموده است (Report of the world commission on environment and development, 1987) و محیط‌زیست سالم به عنوان یکی از مؤلفه‌های پایداری (Bossel, 1999)، گامی به سوی پایداری محیط‌زیستی در چارچوب یکپارچگی اکوسیستم و ظرفیت برد محیط طبیعی بیان شده است (Brodhag and Taliere, 2006). اما در جهان امروز، شواهد مربوط به ناپایداری محیط‌زیستی در حال افزایش است (Mensa, 2019) و محسوس‌ترین پیامد آن؛ تخریب فزاینده محیط‌زیست، از مهم‌ترین مسائل جوامع بشری شناخته شده است (Alam et al, 2007). برخی از مهم‌ترین مشکلات فراگیر محیط‌زیستی مانند آلودگی شدید جوی، نازک شدن لایه ازن، تشدید پدیده گلخانه‌ای (Hilden, 1997)، تغییرات اقلیمی، کمبود منابع طبیعی، جنگل‌زدایی، از بین رفتن تنوع زیستی (Oskamp, 2000) به وضوح بیانگر این واقعیت‌اند که تخریب، یک پدیده جهانی است (UNCCD, 2013). به دنبال مخاطرات ناشی از بحران‌های محیط‌زیستی، این اجماع همگانی وجود دارد که تخریب محیط‌زیست به دلیل «بهره‌برداری شتابان انسان از منابع طبیعی» (کپیل، ۱۳۹۳) بوده و اعمال انسان نقش مهمی در آن دارد. به گونه‌ای که بسیاری از مسائل محیط‌زیستی امروزی، نتیجه رفتارهای روزمره انسان است (Nordlund and Garvill, 2002)، ضمن اینکه آسیب‌های ناشی از آن بر حیات بشر تأثیر مستقیم دارد (Kumar Thakur et al, 2014). در ایران نیز روند تخریب محیط‌زیست در طول چند دهه اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته است (جاجرمی و همکاران، ۱۳۹۲). گستردگی پدیده‌های چون خشکسالی، کم‌آبی، آلودگی و فشار مضاعف بر منابع طبیعی بازتابی از این بحران است. به گونه‌ای که جایگاه ایران از نظر شاخص عملکرد محیط‌زیستی از رتبه ۸۰ در سال ۲۰۱۸ به رتبه ۶۷ در سال ۲۰۲۰ تنزل یافته است (شاخص عملکرد محیط‌زیستی دانشگاه ییل^۱، ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰). این نوسان

گویای وضعیت ضعیف پایداری محیط‌زیستی ایران می‌باشد. در این میان، روستاهای استان گیلان با وجود برخوردار بودن از مواهب طبیعی و تنوع زیستی مانند انواع اکوسیستم‌های دریایی، جنگلی، مرتعی، کوهستانی، رودخانه‌ای و تالابی در معرض انواع تخریب قرار دارد، تخریبی که همچنان رو به گسترش بوده که نه تنها پایداری جامعه روستایی را با مخاطراتی مواجه نموده؛ در طی چند سال اخیر، وقوع سیلاب‌ها، باعث نابودی محصولات کشاورزی شده، نابودی مراتع، تولیدات دامی را به خطر انداخته و در مجموع سرانه تولیدات روستایی کاهش یافته است، بلکه تهدیدی جدی برای طبیعت غنی منطقه محسوب می‌شود. در این مناطق نیز، رفتارهای انسانی عامل اصلی بروز تغییرات خطرناک در محیط‌زیست هستند. بررسی مشکلات محیط‌زیستی مناطق روستایی از این جهت حائز اهمیت است که چالش‌های محیط‌زیستی در نواحی روستایی اثرات نامطلوبی از جمله هدر رفت منابع و سرمایه‌ها (میرترابی و همکاران، ۱۳۹۲)، ناپایداری محیط‌زیستی در اثر «انواع آلودگی‌ها، جنگل‌زدایی، فرسایش خاک» (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۹) را به دنبال دارد که در دراز مدت نه تنها به آسیب‌های جبران‌ناپذیر در سطح روستاها منجر می‌گردد، بلکه پیامدهای نامطلوبی نیز در سطح ملی در پی دارد. یکی از مهم‌ترین اقدامات جهت دستیابی به پایداری محیط‌زیستی محلی، شناخت مسائل محیط‌زیستی و مطالعه علل آن است. مناطق روستایی مورد مطالعه با مسائل محیط‌زیستی بسیاری در سطح محلی مواجه‌اند که اثرات سوء آن در سطح فرامحلی انکارناپذیر است. در این راستا هدف پژوهش حاضر، بررسی و شناخت عمیق عمده‌ترین مشکلات محیط‌زیستی جامعه روستایی با رویکرد کیفی و براساس نظریه بنیادی است. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که عمده‌ترین مسائل محیط‌زیستی مناطق روستایی کدامند؟ در این راستا، با توجه به نظریه داده بنیاد، سوالات فرعی تحقیق حاضر عبارتند از: مشکلات محیط‌زیستی جامعه تحت تأثیر چه عواملی بروز یافته است؟ مسائل محیط‌زیستی حول چه پدیده مرکزی قرار دارند؟ راهبردهای برون رفت از

مشکلات محیط‌زیستی کدامند و این راهبردها چه پیامدهایی برای جامعه به دنبال دارند؟ با توجه به اهمیت نقش محیط‌زیست در تداوم جامعه روستایی و وابستگی حیاتی- تولیدی این جامعه به منابع طبیعی، در این پژوهش سعی شده است با ورود به میدان تحقیق، وضعیت محیط‌زیست منطقه و علل احتمالی تأثیر رفتارهای مخرب بر ناپایداری محیط‌زیستی بررسی شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با چالش برانگیز شدن مشکلات محیط‌زیستی و مخاطرات متعاقب آن، رویکردهای نظری گوناگونی به منظور تبیین رفتارهای محیط‌زیستی و علل تخریب محیط‌زیست نضج گرفت که به برخی از آنها می‌توان به موارد فوق اشاره کرد: براساس رویکرد واقع‌گرایی انتقادی، جوامع انسانی بخشی از محیط‌زیست طبیعی‌اند (ساتن، ۱۳۹۲) و زمانی که در تعامل با طبیعت، تغییری در محیط ایجاد می‌کند، محیط‌زیست هم به نوبه خود بر آن تأثیر می‌گذارد (فروتن‌کیا و نواح، ۱۳۹۷). طبق پارادایم جامعه مسلط آمریکا، بشر تنها حکمران کره زمین است. این دیدگاه معافیت بشر را مطرح می‌کند؛ بدین معنا که انسان از طبیعت جدا و حاکم بر آن است، زمین منابع نامحدودی برای انسان فراهم می‌کند و با پیشرفت تکنولوژی می‌توان بر طبیعت، تسلط یافت (Geno, 2000). این دیدگاه از رشد اقتصادی حمایت می‌کند. در مقابل، پارادایم جدید محیط‌زیستی، جهان‌بینی تکنولوژی- محور را ضد محیط‌زیست دانسته و بر این واقعیت اذعان دارد که رشد نامحدود اقتصادی در درازمدت می‌تواند زمینه‌ساز تخریب‌های محیط‌زیستی گردد و دخالت انسان می‌تواند مشکل‌ساز باشد. علاوه بر این، تخریب محیط‌زیست تنها در پرتو فهم و درک چگونگی و علت تخریب محیط‌زیست میسر می‌گردد. این دیدگاه بر ارتباط متقابل بین انسان‌ها با یک زیست‌کره آسیب‌پذیر دارای منابع محدود تأکید دارد (Dunlap and Van Liere, 2008). نظریه ارزش‌های مادی- فرامادی، رفتارهای محیط‌زیستی را به تحول فرهنگی در جامعه ربط داده

است. فراگردهای دگرگونی در جامعه بر رفتارهای حفاظت از محیط‌زیست تأثیر می‌گذارند و تأکید بر کیفیت محیط‌زیست از پیامد این تغییرات خواهد بود. وقتی که یک جامعه به سطحی از توسعه اقتصادی و اجتماعی دست یابد که به موجب آن امنیت فیزیکی و اجتماعی افراد تأمین گردد، دستخوش یک نوع جابجایی از ارزش‌های مادی به سوی ارزش‌های فرامادی خواهد بود و رفتارهای مخرب محیط‌زیستی کاهش خواهد یافت و حفظ محیط‌زیست به عنوان یک ارزش فرامادی، همگانی می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۹۵). هر یک از این رویکردهای نظری براساس پیش شرط‌های رفتارهای محیط‌زیستی، به زمینه‌های بروز مسائل محیط‌زیستی به عنوان تهدیدی برای محیط زیست پرداخته‌اند. برای شناخت این زمینه‌ها، تحقیق حاضر تلاش دارد تا با استفاده از رویکرد نظریه داده- بنیاد پاسخ و تبیین مناسبی برای تخریب محیط‌زیست در سطح جامعه مورد بررسی فراهم نماید.

رفتارهای مخرب انسانی به عنوان عمده‌ترین عامل در بروز مشکلات محیط‌زیستی شناخته شده است و تحقیقات متعددی، عوامل مؤثر بر رفتارهای محیط‌زیستی را مطالعه کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به تحقیقات داخلی فوق اشاره نمود. یزدانی و شمس (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار زیست‌محیطی روستاییان شهرستان مریوان» با روش پیمایش نشان داد که بین سه مؤلفه سرمایه اجتماعی؛ مشارکت، اعتماد، انسجام اجتماعی و رفتارهای محیط‌زیستی روستاییان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در تحقیق طولاب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷) در «بررسی وضعیت پایداری روستاهای شهرستان پلدختر براساس نگرش‌های زیست‌محیطی» با روش پیمایش نتیجه گرفت که تفاوت مکانی قابل توجهی بین مناطق روستایی از نظر عوامل ناپایداری وجود دارد و مهم‌ترین عامل ناپایداری نابودی مراتع و چراگاه‌ها می‌باشند. در یکی دیگر از تحقیقات انجام شده، حیدری ساریان (۱۳۹۸) به «مطالعه و تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر در بهبود رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست مناطق روستایی شهرستان اردبیل»

بدون آنکه به صراحت، بر مطالعه عمده‌ترین مشکلات محیط‌زیستی یا وجود یک نوع رفتار مخرب مشخص در مناطق مورد مطالعه تمرکز شود (البته به غیر از مطالعه طولی‌نژاد و همکاران). ضمن اینکه روش اجرای این پژوهش‌ها، به شیوه کمی و با استفاده از پیمایش بوده است. امروزه، مرتفع نمودن مشکلات محیط‌زیستی روستاها، نیازمند کشف نوع مسائل و درک عمیق‌تر علل بنیادی این مشکلات با توجه به ابعاد همه جانبه آن است. علاوه بر این، جامعه روستایی به سوالات باز در قالب مصاحبه و گفت‌وگوی رودررو راحت‌تر و دقیق‌تر پاسخ می‌دهند و در صحبت‌های خود، زوایای منسجم‌تری از مسائل و دلایل را ارائه می‌نمایند. این تحقیق بر این مهم تأکید دارد که با توجه به موقعیت جغرافیایی مناطق روستایی مورد مطالعه، انواع مشکلات محیط‌زیستی و زمینه‌های بروز آن، گسترده، متنوع و برخاسته از شرایطی است که در بافت جامعه بروز یافته‌اند. لذا، شناسایی این مشکلات و شناخت دلایل شکل‌گیری و گسترش مسائل محیط‌زیستی در بطن جامعه روستایی، ضرورتی برای ورود محقق به میدان تحقیق و استفاده از رویکرد کیفی بوده است.

مواد و روش تحقیق

رویکرد این پژوهش از نوع کیفی استقرایی و مبتنی بر نظریه بنیادی^۲ است. در پژوهش بنیادی محقق اجزا را در محیط طبیعی مطالعه می‌کند و تلاش می‌نماید که پدیده‌ها را براساس آنچه که افراد بیان می‌دارند، تفسیر و استدلال کند (Groat and Wang, 2002) و هدف عمده آن، تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن عناصر کلیدی یعنی مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌های آن پدیده و سپس طبقه‌بندی روابط این عناصر درون بستر و فرایند آن پدیده است. بدین ترتیب، مفاهیم و گزاره‌ها، مستقیم از داده‌ها کشف می‌شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۷). گزاره‌ها نیز روابط بین یک مقوله و مفاهیم آن را نشان می‌دهد. جامعه آماری این تحقیق شامل ۲۵ نفر از دهوندان، کارشناسان اداره‌های منابع طبیعی و آبخیزداری، مدیریت جهاد کشاورزی، سازمان حفاظت محیط‌زیست و دهیاری شهرستان‌های طوالش در استان

پرداخت. نتایج این پیمایش حاکی از آن است که تعلق مکانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سبک زندگی حفاظتی و شاخص‌های رفاه اجتماعی با رفتارهای محیط‌زیستی روستاییان رابطه معناداری دارند. همچنین، صفا و محمدیان (۱۳۹۹) در «عوامل تعیین‌کننده رفتارهای حفاظت از محیط‌زیست در مناطق روستایی شهرستان تبریز» با روش توصیفی-پیمایشی نشان داد که رفتارهای حفاظتی روستاییان در سطح پایینی است. بررسی نقش عوامل انسانی در شکل‌دهی مشکلات محیط‌زیستی، مورد توجه محققان خارجی نیز قرار گرفته است که در اینجا، برخی از تحقیقات و نتایج آنها معرفی می‌شوند. برنگر و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «تفاوت‌های روستایی-شهری در نگرانی، نگرش و کنش‌های محیط‌زیستی» در اسپانیا، به روش پیمایش دریافتند که نگرش و رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی در بین روستاییان در مقایسه با شهرنشینان، بیشتر است. یافته‌های مطالعه هوتارد کندی و همکاران (۲۰۰۹) با عنوان «تفاوت‌های روستایی-شهری در زمینه نگرانی محیط‌زیستی در کانادا» با روش پیمایش حاکی از آن است که روستاییان مشارکت بیشتری در رفتارهای مسئولانه دارند. چن (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «عمل به رفتارهای معنادار محیط‌زیستی در روستاهای چین» دریافت که رفتارهای محیط‌زیستی در مناطق روستایی عمدتاً با منافع اقتصادی برانگیخته می‌شوند. همچنین، نتایج پیمایش کاستیلو و همکاران (۲۰۱۸) در «نگرش و رفتارهای روستاییان نسبت به انگیزه‌های شکار و جنگل‌زدایی در مناطق حفاظت شده جنگل شمال شرقی اقیانوس اطلس، برزیل»، حاکی از آن بود که نگرش‌ها و هنجارهای توصیفی ممکن است پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای رفتارهای مورد مطالعه باشند. بررسی پیشینه تجربی نشان می‌دهد که غالب تحقیقات، تأثیر عوامل اجتماعی بر رفتارهای عمدتاً مسئولانه و حفاظتی محیط‌زیستی سنجیده‌اند و یا به مقایسه تفاوت رفتارهای محیط‌زیستی در دو منطقه روستا و شهر پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، یک مطالعه کلی نسبت به تأثیر عواملی بر رفتارهای محیط‌زیستی ارائه شده است.

گیلان است. ملاک نمونه‌گیری، اشباع نظری بود و انتخاب نمونه‌ها تا آنجا پیش رفت که مطالب مصاحبه‌شوندگان تکراری بوده و داده‌های اضافی به تکمیل و مشخص کردن یک مقوله نظری کمکی نکرد و مصاحبه‌ها، مشابه به نظر رسیدند. مصاحبه‌ها در تابستان ۱۳۹۸ و بهار ۱۳۹۹ انجام شد.

جدول ۱: مشخصات اعضای مشارکت‌کننده در پژوهش

متغیرهای زمینه‌ای	سن	تعداد
سن	۲۱-۳۰	۶
	۳۱-۴۰	۵
	۴۱-۵۰	۸
مقطع تحصیلی	۵۱ و بیشتر	۶
	فوق دیپلم و پایین‌تر	۱۳
	کارشناسی	۷
وضعیت اشتغال	کارشناسی‌ارشد	۵
	شاغل	۱۱
جنسیت	کشاورز-کارگر و خانه‌دار	۱۴
	زن: ۸	مرد: ۱۷
جمع:		۲۵ نفر

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

عوامل مؤثر در بروز مشکلات محیط‌زیستی از نظر مصاحبه‌شوندگان شناسایی و استخراج و در قالب مقولات جزء، دسته‌بندی شد. سپس، از ادغام یک یا چند مقوله جزء، مقولات عمده به دست آمد. مرحله سوم، کدگذاری انتخابی با هدف یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها به منظور کشف پدیده اصلی و ترسیم مدل پارادایمی انجام شد. برای اعتمادپذیری این پژوهش از روش ارزیابی اعتبار به روش ارتباطی (فلیک، ۱۳۹۹) یعنی کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا استفاده شد. با مراجعه مجدد به مصاحبه‌شوندگان از آنها خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی و در مورد صحت آن نظر دهند.

مصاحبه عمیق، ابزار گردآوری داده‌ها بود که در آن به مشارکت‌کنندگان برای هدایت جریان گفت‌وگو، آزادی بیشتری داده شد. مراحل ساخت و استخراج مفاهیم اصلی و فرایند تحلیل داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری (جدول ۲) و به صورت پیوسته در دستور کار قرار گرفت. بدین نحو که ابتدا براساس کدگذاری باز، مفاهیم اصلی پژوهش به دست آمد. یعنی با مراجعه به متن مصاحبه‌ها به صورت سطر به سطر، موارد مشابهی که نشان‌دهنده یک مفهوم واحد بودند، در رده مفهومی موردنظر دسته‌بندی و در نهایت از ادغام مفاهیم استخراجی مشابه، مفهوم اصلی ساخته شد. مرحله دوم، کدگذاری محوری است که با مراجعه دوباره به متن مصاحبه‌ها،

جدول ۲: مفاهیم، مقولات جزء و عمده استخراج شده مشکلات محیط‌زیستی براساس کدگذاری‌های سه‌گانه

مفاهیم	مقولات جزء	مقولات عمده	پدیده مرکزی
فرسایش منابع و ذخایر	عرصه ملی / نبود مرز مشخص بین عرصه‌های ملی و شخصی / نظارت ضعیف / تصرف / بهره‌برداری جمعی / برداشت غیراصولی / تبدیل اراضی جنگلی به اراضی کشاورزی / کاهش ظرفیت نفوذپذیری خاک / افزایش سیلاب / شیرابه زباله / نابودی گونه‌های گیاهی / آلودگی منابع آبی	۱- ملی بودن منابع طبیعی ۲- بهره‌برداری مشاع ۳- جنگل‌زدایی ۴- دپوی زباله	
	۱- تصرف / محدود شدن شرایط زیستگاهی / قطع حق آبه تالاب / آجری بی‌رویه / نابودی رویشگاه‌های گیاهی / نابودی زادآوری جنگل / طرح‌های زیربنایی / تداخل زیست انسانی / دپوی	۵- تصرف زیستگاه‌های طبیعی ۶- عدم تأمین حق آبه محیط‌زیستی ۷- دام‌مازاد	

توسعه پایدار محیط جغرافیایی

تخریب محیط‌زیست و ناپایداری اکوسیستم	۸- طرح‌های عمرانی ۹- عدم همزیستی مسالمت‌آمیز ۱۰- زباله و پساب ۱۱- عمومی شدن زباله‌ریزی ۱۲- رفتار ساکنین، سازمان‌ها و گردشگران ۱۳- تجمع و انباشت زباله ۱۴- زباله‌پراکنی ۱۵- پسماندهای خانگی ۱۶- تخلیه و تجمع فضولات دامی	غیراصولی زباله در جنگل و سواحل دریای خزر/افضال‌های خانگی	انبوهه زباله و پسماند
	۱۷- تملک اراضی طبیعی ۱۸- سندرم تبدیل روستا به شهر ۱۹- توسعه برنامه‌های عمرانی ۲۰- گسترش خانه باغ	۱- تسطیح غیراصولی اراضی/خرد شدن اراضی کشاورزی/کاهش تولیدات کشاورزی/گسترش اراضی کشاورزی/اسکان دامداران/ضمیمه کردن روستا به محدوده شهری/برنامه‌های عمرانی/طرح هادی روستایی/ویلاسازی/طرفیت برد طبیعت/تبدیل مرتع به دیم‌زار	تغییر کاربری
	۲۱- زباله‌ها، پسماندها و فضالاب ۲۲- پساب‌های کشاورزی ۲۳- زباله‌گردی احشام ۲۴- نوع امرار معاش ۲۵- آلودگی طبیعت ۲۶- آتش زدن کاه	۱- زباله، پسماند، کودها و سموم شیمیایی عمده‌ترین عامل آلودگی اکوسیستم‌های طبیعی/افضال‌ها/آلودگی منابع آبی زیرزمینی/آلودگی منابع آب کشاورزی/آلودگی دریای خزر/انقراض نسل آبزیان/آلودگی رودخانه‌های حاشیه منازل مسکونی/زباله‌گردی حیوانات/آلودگی فرآورده‌های دامی/تولید ذغال/کاهش کاربری جنگل/نابودی کلونی‌های زنبور عسل/سوزاندن کاه در شالیزارها/استت شدن و فرسایش خاک زراعی	آلودگی محیط و تولید
	۲۷- بهره‌برداری مضاعف ۲۸- تصرف اراضی ملی ۲۹- نوع امرار معاش و شکار بی‌رویه غیر قانونی	نحوه بهره‌برداری/افزایش چوب‌نابودی جنگل/سود اقتصادی/اشاره به وابستگی مستقیم امرار معاش روستاییان به چوب درختان/گسترش زمین ملکی/شکار و صید غیرمجاز	سوداگری از طبیعت
	۳۰- سموم شیمیایی ۳۱- برداشت حداکثر محصول ۳۲- تهدید صنعت زنبورداری	۱- آفت‌کش‌ها و سموم کشاورزی/آلودگی منابع آبی/پسماندهای سموم/به خطر انداختن زندگی آبزیان/تهدید سلامت انسان/افزایش محصولات کشاورزی/اثربخشی پایین/تسطیح غیراصولی اراضی زراعی/کاهش حاصل خیزی خاک/نابودی تولیدات زنبورداری	چگالی سموم

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

محیط‌زیستی ترسیم شده است (مدل شمارل ۱) و با توجه به شش شرط پارادایمی به شرح زیر تحلیل شد: **شرایط زمینه‌ای:** زمینه این پژوهش آبادی‌های سه شهرستان تالش، رضوانشهر و ماسال در غرب استان گیلان است که در مجموع دارای ۱۴ دهستان، ۵۴۹ روستا با تعداد جمعیت ۱۹۳۶۳۸ نفر (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۹۵)، می‌باشد که در اینجا به عنوان مجموعه آبادی‌های طوالش نام برده شده است. **پدیده:** تخریب محیط‌زیست و ناپایداری اکوسیستم است که مجموعه عوامل انسانی، باعث شکل‌گیری چنین پدیده‌ای شده است. اشکال این پدیده، تصرف و

در جدول ۲ داده‌ها به صورت واحدهای معنادار مجزا درآمد و در مجموع، ۷ مفهوم به عنوان مهم‌ترین مشکلات محیط‌زیستی و ۳۲ مقوله عمده ادغام شده از مجموع مقولات جزء استخراج شد.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش اکتشافی، از طریق کدگذاری محوری، مهم‌ترین مسائل محیط‌زیستی در مناطق روستایی شناخته شد و از طریق کدگذاری انتخابی، بین مقولات عمده ادغام شده، هسته اصلی کشف گردید و مدل پارادایمی عوامل محیط‌زیستی مؤثر بر بروز مشکلات

آلودگی منابع طبیعی اعم از جنگل، مراتع، سواحل و تغییر کاربری آن است. وضعیتی که اکنون منطقه مورد مطالعه را دچار مشکل و معضل کرده است. از بارزترین پیامد ناپایداری اکوسیستم باید به افزایش بارندگی‌های نابهنگام و جاری شدن سیلاب‌های ویرانگر حتی در ماه‌های گرم سال، در اثر افزایش جنگل‌زدایی و قطع وسیع درختان اشاره کرد. عاملی که به‌طور مستقیم محصولات روستایی را نابود کرده است.

شرایط علی

۱- بهره‌برداری مشاع: وابستگی معیشت مبتنی بر دامداری به تعریف دام در مراتع، موجب ایجاد یک نوع رقابت سودجویانه بین دامداران شده است. بنا بر گفته کارشناس منابع طبیعی: «۹۰ درصد بهره‌برداری از مرتع به صورت مشاع و همگانی است و هر کسی سعی می‌کند بیشترین بهره را ببرد». همچنین، به دلیل عدم رعایت طرح تنفس بهاری، چرای زود هنگام مانع از تداوم رویش چراگاه‌ها شده و مراتع، فقیر و تُنک می‌شوند. دامداران احشام خود را زمانی که هنوز طرح ممنوعیت چرا در مراتع برداشته نشده، در جنگل رها می‌کنند. از طرفی، به دلیل تعداد زیاد بهره‌برداران، فشار مضاعف بر منابع جنگلی و مرتعی وارد می‌شود. ضمن اینکه نظارت جامع اداره منابع طبیعی و یا تعاونی‌های مسئول حفظ جنگل و مرتع با محدودیت‌های نظارتی مواجه‌اند. گرچه نبود مرز مشخص بین عرصه ملی و شخصی نیز بر بهره‌برداری سودجویانه، دامن می‌زند. این شکل بهره‌برداری از اراضی ملی، بخش وسیعی از جنگل‌ها، مراتع و پوشش گیاهی را در معرض نابودی قرار داده است.

۲- به موجب عدم تفکیک صریح مرز عرصه ملی و شخصی، برخی از دامداران مدعی‌اند که مرتع و جنگل هم‌جوار محل سکونت فعلی‌شان، در گذشته جزو چراگاه و اراضی شخصی آباء و اجدادی آنها بوده و یک احساس مالکیت نسبت به آن دارند و بهره‌برداری از آن را حق خود می‌دانند. در نتیجه این منابع در دسترس را ضمیمه املاک شخصی خود می‌کنند. ضمن آنکه نبود مرز مشخص بین اراضی ملی و شخصی، نظارت جامع سازمان‌های متولی بر حفاظت از آن را مختل می‌کند.

۳- تغییر کاربری: به دنبال گسترش شهرنشینی و تکمیل پروژه‌های توسعه زیربنایی، روستاهای نزدیک شهر، ضمیمه شهر گردید و با افزایش قیمت اراضی، زمین‌های روستایی که قبلاً فقط کاربرد کشت و زرع داشتند، در معرض خرید و فروش و ساخت‌وسازهای تجاری- مسکونی قرار گرفتند. رئیس جهاد کشاورزی می‌گوید: «در بسیاری از مناطق روستایی با ضمیمه کردن محدوده روستایی به داخل محدوده شهری و نیز وارد کردن اراضی کشاورزی به داخل محدوده طرح هادی بهترین شالیزارهایی که در ابتدای رودخانه‌ها قرار داشتند را از بین بردند. با قطع‌بندی و خرد شدن اراضی کشاورزی، زمین به اصطلاح هرز شده و شاهد کاهش تولیدات زراعی هستیم». ویلاسازی روستاییان به صورت خانه باغ در اراضی زراعی- باغی، از میزان سطح زیرکشت این نوع اراضی کاسته است. علاوه بر این، تصرف و عدم تأمین حق آبه محیط‌زیستی زیستگاه‌های طبیعی مانند تالاب منطقه حفاظت شده جوکندان موجب محدود شدن شرایط زیستگاهی برای آبریان و پرندگان مهاجر شده است. کشاورزان با منحرف کردن آب‌ها به سوی مزارع خود، مانع از ورود حق آبه طبیعی به تالاب شده و در نتیجه خشک می‌شود. دپوی زباله به ویژه در جنگل باعث تغییر کاربری یک اکوسیستم طبیعی در سطح وسیع شده است. چون شیرابه زباله‌ها، به تدریج درختان را خشک و تنوع گیاهی را نابود می‌کند. روستاییان ساکن در حاشیه کوهپایه‌های جنگلی، جنگل را به منظور گسترش املاک ملکی، تخریب می‌کنند. کشاورزان بیشه‌های هم‌جوار مزارع خود را به تدریج ضمیمه اراضی زراعی خود می‌کنند. پروژه در حال احداث سد سفارود، چندین هکتار از جنگل‌های کوهستانی واقع در مسیر روستای دوران را نابود کرده است. از نظر کارشناس سازمان حفاظت محیط‌زیست: «قطع درختان، تخریب گسترده جنگل و زیستگاه‌ها، باعث نابودی یک تنفس‌گاه طبیعی شده است؛ کاهش تنوع زیستی از پیامدهای تخریب است». ضمن اینکه علت فرسایش زمین و افزایش سیلاب نیز است.

نتیجه مصرف بیش از حد کود شیمیایی، زیاد است. بسیاری از روستاییان در باغات کیوی، صیفی‌جات نیز پرورش می‌دهند، اثرات سوء این سموم بر تغذیه انسان نیز قابل تأمل است. مصرف سموم و کودهای شیمیایی به دلیل اثربخشی پایین آن به دلیل بارندگی، همچنان بالا است. مصرف سموم در داخل کلونی‌های زنبور عسل به منظور مقابله با کنه واروآ غالباً ناآگاهانه و بدون مجوز استفاده می‌شود. برخی از روستاییان درختان میوه و علف‌های هرز محوطه خانه باغ خود را سمپاشی می‌کنند که باعث آلودگی آب چاه واقع در حیاط که عمدتاً برای آبیاری باغات، اراضی زراعی و دام و طیور مصرف می‌شود، می‌گردد.

۶- چرای بی‌رویه: روستانشینان حاشیه جنگل، با رها کردن دام‌های خود به ویژه در فصل بهار که آغاز رویش گیاهان و نهال‌هاست، زادآوری جنگل را از بین می‌برد. ضمن اینکه در حال حاضر، دام، مازاد بر ظرفیت چرگاهی منابع طبیعی موجود است. بسیاری از دامداران با چرای زودرس دام‌ها، بر مرتع‌زدایی دامن زده‌اند، چون یک واحد تولیدی طبیعی نابود می‌شود.

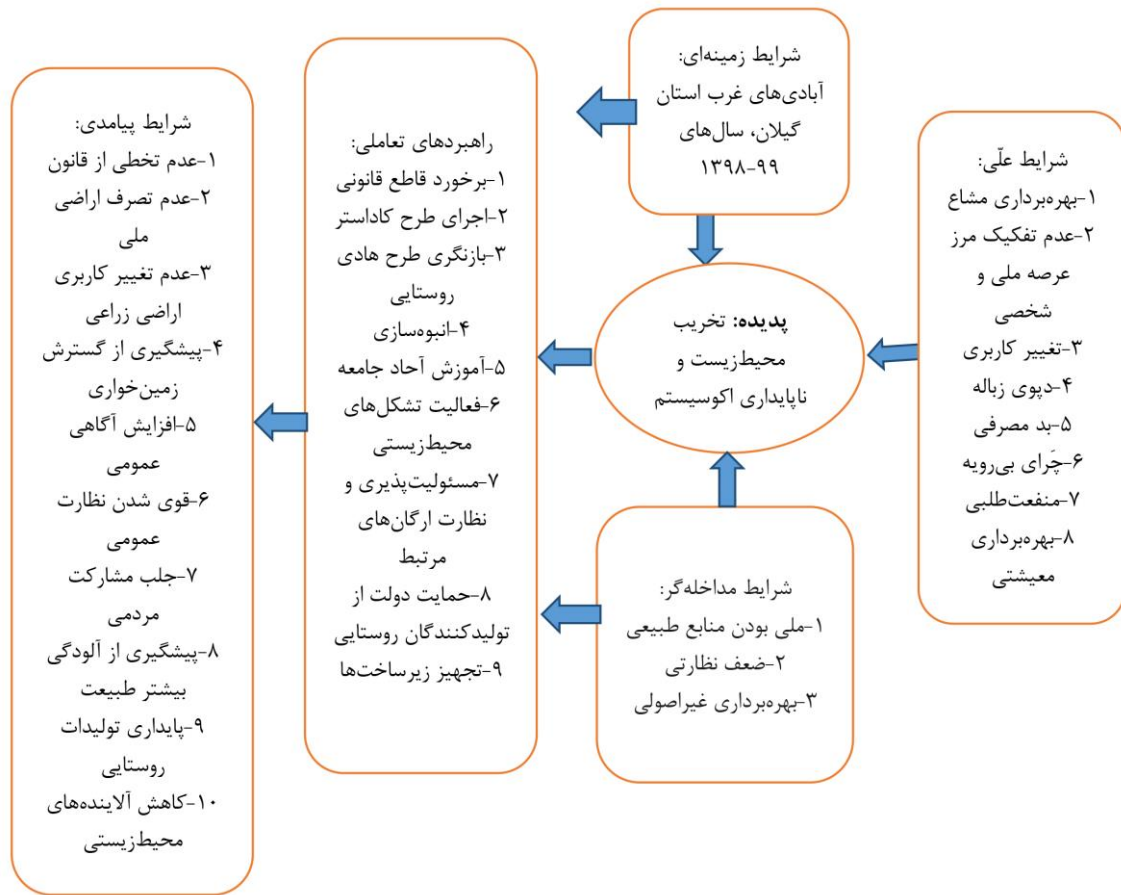
۷- نابودی جنگل با قصد گسترش اراضی شخصی، قاچاق چوب و برداشت شن و ماسه با انگیزه کسب درآمد، بیانگر منفعت‌طلبی سوداگرانه از طبیعت است، گرچه بخشی از جمعیت بیکار روستایی ناگزیر به آن هستند. ضمن اینکه شکار غیرقانونی و صید غیرمجاز روی دیگر سوء بهره‌برداری از طبیعت است که پرندگان و آبزیان را در معرض انقراض قرار داده است.

۸- بهره‌برداری معیشتی: تولید سنتی ذغال در روستاهای حاشیه جنگل‌ها به عنوان یک شغل و پیشه شناخته شده است. وجود کوره‌های ذغال در دل جنگل نه تنها موجب آلودگی هوا شده بلکه با تداوم قطع درختان، باعث نابودی یک اکوسیستم طبیعی نیز شده است.

۴- دپوی زباله: شهرداری‌ها زباله‌های شهری و روستایی را در سواحل و جنگل‌هایی که بدین منظور تعیین شده‌اند، دفع می‌کنند. دپوی زباله در جنگل به دو شکل، فرایند تخریب آن را تسریع می‌بخشد: با تجمع زباله‌ها، مکان فعلی اشباع شده و منطقه دیگری برای دپو تعبیه می‌شود و این پیوستار انتقال و اشباع همچنان ادامه دارد. انباشت زباله در جای جای طبیعت بر پدیده عمومی شدن زباله‌ریزی دامن زده است؛ حاشیه‌نشینان سواحل، جنگل و رودخانه‌ها، زباله‌های خود را در این مناطق طبیعی می‌ریزند. سحر یکی از ساکنین روستای سیدرضی می‌گوید: «رودخانه‌ها عمده‌ترین مکان برای تخلیه زباله‌اند». گردشگران نیز زباله‌های خود را در طبیعت رها می‌کنند. زباله‌ریزی در طبیعت در طول سال به دنبال هر بارندگی شدید و به همراه سیلاب‌ها به درون دریا سرریز می‌شود، همچنین، با وزش باد، زباله‌های پلاستیکی در طبیعت پراکنده می‌شود؛ در نتیجه زباله‌ریزی به زباله‌پراکنی بیشتر منجر شده است. بخشی از اثرات مخرب دپوی زباله، مربوط به انباشت پسماندها است. سرریز شدن پسماندهای خانگی به منابع آبی، باعث آلودگی گسترده زیستگاه‌های جانوران شده است. زیرا روستاها فاقد سیستم تخلیه فاضلاب‌های سطحی هستند. حاشیه رودخانه‌ها محل دپوی فضولات دامی برخی از دامداران است. همچنین، تغذیه برخی از احشام در سایت‌های دفع زباله و مکان‌های انباشت پسماند بر آلودگی تولیدات فراورده‌های دامی تأثیر دارد.

۵- بد مصرفی: گرچه استفاده از کود و سموم شیمیایی در کشاورزی، اجتناب‌ناپذیر است، اما میزان و زمان مصرف آن، محیط‌زیست را در معرض خطر جدی قرار داده است. بیشترین و خطرناک‌ترین سم در مزارع کشت توتون استفاده می‌شود؛ سم آمبوش که ماندگاری طولانی مدتی دارد و به آب‌های زیرزمینی نفوذ کرده و سرطان‌زا است. تجمع نترات در محصول کیوی در

مدل ۱: نمودار مدل پارادایمی عوامل محیط‌زیستی موثر بر تخریب محیط‌زیست و ناپایداری اکوسیستم



منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

شرایط مداخله‌گر

۱- علی‌رغم ملی بودن منابع طبیعی، به‌طور مداوم مورد تصرف و تخریب قرار می‌گیرند. کارشناس منابع طبیعی می‌گوید: «خود ملی بودن منابع طبیعی، بنای نابودی طبیعت است، چون اشخاص، دیگر دغدغه تخریب ندارند، زیرا بخشی از عرصه شخصی نیست که از آن محافظت کنند». از نظر هاشم، ساکن روستای ملامحله: «جنگل متعلق به مردم است. اما دولت اختیارات بهره‌برداری از آن را به خودش اختصاص داده است. حالا که منابع، ملی است و فقط دولت حق بهره‌برداری از آن را دارد، پس دولت موظف به حفظ آن است».

۲- ضعف نظارتی: با توجه به ملی بودن و گستردگی منابع طبیعی به ویژه در مناطق کوهستانی و کوهپایه‌ای موجب شده است تا نظارت جامع متولیان دولتی بر ممانعت از تصرف و تخریب آن مشکل شود. کارشناس منابع طبیعی در این زمینه می‌گوید: «عرصه منابع

طبیعی عرصه گسترده‌ای است. مطابق مساحت کل کشور، حدود ۸۵ درصد عرصه طبیعی است، کنترل عرصه‌های طبیعی توسط اداره‌های مرتبط سخت است». ضمن اینکه سازمان‌های متولی با محدودیت‌های منابع تجهیزاتی جهت نظارت کامل مواجه‌اند.

۳- بهره‌برداری غیراصولی: عدم رعایت اصول تسطیح اراضی در شالیزارها علت فرسایش اراضی حاصلخیز زراعی است. کارشناس امور دامی جهاد کشاورزی می‌گوید: «تسطیح زمین‌های زراعی، کارشناسی و تخصصی نبوده است. چون خاک زراعی را به قعر زمین بردند و خاکی را که اصلاً یک هزارم ارزش غذایی برای گیاه ندارد را به سطح زمین آوردند. زمین توان ندارد. کشاورز برنج می‌کارد، خوشه قطع می‌شود چون ریشه گیاه قدرت رشد ندارد. برگ‌های برنج زرد می‌شود. می‌خواهند مشکل را حل کنند، متوسل به سم و کود بی‌رویه می‌شوند، این فاجعه است. چون خاک‌های

خسارت‌های پیش‌رو به دنبال تخریب آن و نحوه بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی- تولیدی، متناسب با ظرفیت‌های تولیدی جامعه مورد نیاز است.

۶- محدوده فعالیت تشکلهای محیط‌زیستی به درون روستا افزایش یابد.

۷- سازمان‌های مسئول حفاظت از محیط‌زیست و صیانت از منابع طبیعی مطابق با اهداف سازمانی خود، در برابر تخریب منابع طبیعی مسئولانه نظارت داشته باشند و پیگیر تغییر کاربری مراکز تولیدی-زراعی شوند. همچنین مدیران روستایی مجدانه پیگیر رفع مشکلات محیط‌زیستی آبادی‌های حوزه استحفاظی خود باشند.

۸- سازمان‌های دولتی در قالب ارائه اعتبارات وامی و نظارت بر تعیین قیمت محصولات از تولیدکنندگان روستایی حمایت کنند. کارشناسان ترویج جهاد کشاورزی بر سمپاشی به موقع مزارع و مصرف بهینه کودهای شیمیایی نظارت مستقیم داشته باشند. تقویت تعاونی‌های دامداری، ضمن پایداری تولیدات دامی، می‌تواند از محصولات جانبی کشاورزان نیز پشتیبانی کند مانند خرید گاو از کشاورزان جهت تغذیه زمستانه دام.

۹- احداث کارخانه زباله‌سوز، کارخانه کمپوست و تجهیز سیستم‌های جامع دفع فاضلاب از زیربنایی‌ترین نیازهای منطقه است.

شرایط پیامدی

۱- ممانعت از تصرف و تخریب بیشتر طبیعت از سوی متخلفان. همچنین، متولیان حفاظت از منابع طبیعی به پشتوانه قانون، برخورد قاطعانه‌تری خواهند داشت.

۲ و ۳ و ۴- با اجرایی شدن طرح کاداستر زمینه‌های تصرف اراضی طبیعی و ملی برداشته می‌شود و به موجب آن قانون می‌تواند قاطعانه با سودجویان متصرف برخورد کند. ضمن اینکه سنددار کردن اراضی کشاورزی و تصریح محدوده‌های زراعی موجب حفظ کاربری شالیزارها خواهد شد. ممانعت از تغییر کاربری اراضی زراعی از پیامدهای بازنگری در طرح هادی روستایی است و از تملک اراضی طبیعی و گسترش زمین‌خواری نیز ممانعت به عمل می‌آید. همچنین راهکار مجتمع‌سازی مسکن روستایی از کاهش زمین‌های

کشاورزی تبدیل به خاک‌های اسیدی شده‌اند». در نتیجه کشاورز با کود و سموم تلاش می‌کند تا بازدهی محصول را بالا ببرد و یا ترجیح می‌دهد دیگر در آن کشت‌وکار نکند و بخشی از اراضی زراعی خود را بفروشد (تغییر کاربری). همچنین، استفاده بی‌رویه از سموم و کودهای شیمیایی در شالیزارها و باغات مرکبات باعث آلودگی محیطی و واحدهای تولیدی شده است. چون پساب‌های کشاورزی در نهایت به منابع آبی نفوذ می‌کند. از سوی دیگر، کود مصرفی وارد علوفه دامی نیز می‌شود، بعد از برداشت محصول، دام و احشام در مزارع رها می‌شوند که به آلودگی تولیدات دامی منجر می‌گردد (آلودگی چرخه تولید)، تولیداتی که وارد تغذیه انسان می‌شوند. بخشی از عدم بهره‌برداری بهینه از تولیدات زراعی مربوط به سوزاندن گاو شالیزارها است. عاملی که باعث سست شدن تدریجی خاک زراعی، کاهش مواد آلی، کاهش توان زراعتی خاک و آلودگی هوا و مشکلات تنفسی برای ساکنین مجاور را به همراه دارد. علاوه بر این، برداشت غیر مجاز شن و ماسه از سوی سودجویان به تخریب و فرسایش ذخایر طبیعی منجر شده است که بسترسازی رودخانه و آسیب‌های ناشی از بروز سیلاب‌ها را تسریع می‌کند. وضعیتی که طی دو سال اخیر در مناطق مورد تحقیق بسیار اتفاق افتاده است.

راهبردهای تعاملی

۱- هرگونه بهره‌برداری سودجویانه از منابع طبیعی نیازمند برخورد قاطع قانونی است.

۲- اصلاح قانون در زمینه تعیین محدوده اراضی ملی و مستثنیات با اجرایی شدن جامع طرح کاداستر و تعیین بانک اطلاعات اراضی ملی الزامی است.

۳- با بازنگری طرح هادی روستایی، کاربری‌های زمین به صراحت، تعیین شود و محدودیت‌هایی برای تغییر کاربری اعمال گردد.

۴- به جای خانه باغ و ویلاسازی، آپارتمان‌های مسکونی در روستاها متناسب با بافت جامعه روستایی احداث شود.

۵- آموزش آحاد جامعه: آموزش همگانی در مورد کاربردهای ارزشی اکوسیستم‌های طبیعی و

ناسالم و سودجویی بیشتر از طبیعت گردیده است. عدم صراحت در تفکیک مرزی عرصه‌های منابع ملی از محدوده‌های شخصی همچنان علت برخی از مدعیان تملک اراضی طبیعی است؛ گسترش کاربری‌های غیر تولیدی اراضی روستایی در پی طرح‌های عمرانی و برخی از ناکارآمدی‌های طرح هادی روستایی، زنجیره‌ای از روابط علی بین ضمیمه شدن روستا به شهر، افزایش قیمت زمین، فروش اراضی زراعی، گسترش ویلاسازی، کاهش سطح شالیزارهای زیر کشت، کمبود زمین زراعی، تمایل به تصرف اراضی طبیعی به منظور گسترش اراضی کشاورزی موجب شده که پدیده تغییر کاربری به معضلی فراگیر در بروز مشکلات محیط‌زیستی مناطق تبدیل شود؛ منابع طبیعی مناطق روستایی آماج تجمع انواع زباله‌ها قرار دارد که متأثر از اقدامات سازمانی و رفتارهای فردی است.

سایت‌های دفن زباله در جنگل و یا در سواحل همجوار روستاها تعبیه شده‌اند و زباله‌ریزی به پدیده‌ای همگانی بدل گشته است؛ انباشت پسماند، همچنان آلودگی مضاعف منابع طبیعی را به دنبال دارد که بخشی از آن به ضعف زیرساخت‌های روستایی بر می‌گردد؛ آلودگی منابع آبی و تهدید زیست‌آبزیان در اثر مصرف بی‌رویه کود و سموم در تولیدات زراعی- باغی و صنعت زنبورداری در نهایت وارد زنجیره غذایی انسان می‌شود؛ دام‌مازاد بر مرتع، تهدیدی برای پوشش گیاهی و در نتیجه، تغییر کاربری یک محیط طبیعی در سطح وسیع است؛ هرگونه اشکال بهره‌برداری از طبیعت، دلیل اقتصادی داشته و سوداگرانه است؛ هر چند اجتناب‌ناپذیری وابستگی تأمین امرار معاش به منابع طبیعی، نابودی آن را سرعت بخشیده است.

از سوی دیگر، شرط مداخله‌گر آن دسته از شرایط ساختاری است که تخریب محیط‌زیست را تسهیل می‌کند؛ در مورد ملی بودن عرصه‌های طبیعی، یک دیدگاه متناقض وجود دارد از یک طرف، منابع طبیعی، ملی اعلام شده و دولت متولی حفاظت از طبیعت است. از طرف دیگر، ساکنینی که در مجاورت با جنگل یا سایر منابع طبیعی زندگی می‌کنند، خود را صاحبان و بهره‌برداران اصلی این منابع می‌دانند و علی‌رغم

تولید زراعی جلوگیری می‌کند. ضمن اینکه ساکنین با کمبود زمین زراعی مواجه نمی‌شوند و به تصرف اراضی طبیعی پیرامون، به منظور گسترش یا ایجاد زمین‌های زراعی روی نمی‌آورند. ۵ و ۶- به موجب آموزش همگانی، آگاهی عموم روستاییان از مزایای محیط‌زیست و پیامدهای تخریب آن ارتقاء می‌یابد و رفتارهای محیط‌زیستی مسئولانه‌تری اتخاذ می‌نمایند و روستاییان نسبت به هر نوع آلودگی و تخریبی حساس شده و بر رفتارهای مخرب محیط‌زیستی یکدیگر نظارت خواهند داشت. ۷ و ۸- مشارکت همگانی روستاییان در حفاظت از محیط‌زیست تداوم می‌یابد و از آلوده شدن منابع طبیعی می‌کاهد.

۹- حمایت دولت و نظارت کارشناسان بر تولیدات روستایی مانع از کاهش تولیدات این بخش خواهد شد. ۱۰- تجهیز منطقه به زیرساخت‌های محیط‌زیستی مانند کارخانه زباله‌سوز مانع از انباشت زباله و پسماند در جنگل و دریا شده و از نابودی و آلودگی آن کاسته خواهد شد. با بهینه‌سازی زیرساخت‌های فاضلابی، منابع آبی و تولیدی منطقه نیز آلوده نخواهند شد.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش اکتشافی، فرسایش منابع و ذخایر طبیعی، تخریب زیستگاه‌های طبیعی، انبوه زباله و انباشت پسماندها، تغییر کاربری، آلودگی طبیعت و واحدهای تولیدی، سوداگری از طبیعت و چگالی سموم به عنوان مهم‌ترین مشکلات محیط‌زیستی مناطق روستایی شناسایی شدند که متأثر از رفتارهای محیط‌زیستی مخربی مانند جنگل‌زدایی، تملک اراضی ملی، تغییر کاربری و آنچه که پیش‌تر بیان شد، می‌باشد. بدیهی است که مجموعه این مشکلات در بستری از شرایط حاکم بر مناطق روستایی رخ داده است. به گونه‌ای که کمبودها و محرومیت‌های موجود چه در عرصه ساختی و چه در رفتارهای فردی، علت احتمال و پیش‌زمینه‌های تخریب محیط‌زیست و ناپایداری اکوسیستم را فراهم نموده و رفتارهای مخرب به عنوان موانع پایداری محیط‌زیستی، از یک سو تحت‌تأثیر شرایط علی بوده است؛ بهره‌برداری مشاع باعث رقابت

آموزشی جهت ارتقاء رفتارهای حفاظت از محیط‌زیست ضروری است.

توضیح

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری سونا حبیبی دانشجوی دکتری مسایل اجتماعی ایران در دانشگاه مازندران است که با عنوان "تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای محیط‌زیستی در استان گیلان" (مطالعه موردی: آبادی‌های غرب گیلان)"، به راهنمایی دکتر صادق صالحی انجام شده است.

ممنوعیت قانونی، حق برداشت حداکثری از آن را برای خود قائل‌اند؛ ضمن اینکه گستردگی این منابع، نظارت بر حفاظت از آن را با محدودیت‌های سازمانی مواجه کرده است؛ علاوه بر این، بهره‌برداری از منابع طبیعی - تولیدی، خارج از اصول تعیین شده است. به‌طور کلی، محدودیت‌های ساختی مزید بر علت رفتارهای فردی است و تخریب محیط‌زیست و ناپایداری اکوسیستم به عنوان پدیده‌ای چند علیتی شناخته شده که ناشی از همگرایی مجموعه عواملی است که تهدیدی همه جانبه برای محیط‌زیست منطقه محسوب می‌گردد. بنابراین، اصلاحات ساختی در حوزه‌های زیربنایی، حمایتی و

پی نوشت

1-Yale University

2-Grounded Theory

منابع

آن در سکونت‌گاه‌های روستایی استان کرمانشاه، فصلنامه جغرافیا و توسعه: ۱۸(۵۸). ص ۷۵-۹۲.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=530331>
 - صفا، ل. و محمدیان سقین‌سرا، و.، ۱۳۹۹. عوامل تعیین‌کننده رفتارهای حفاظت از محیط‌زیست در مناطق روستایی شهرستان تبریز، فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار: ۸(۳). ص ۹۷-۱۱۶.
<https://www.sid.ir/fa/journal/JournalListPaper.aspx?ID=151199>
 - طولابی‌نژاد، م.، بذرافشان، ج. و قنبری، س.، ۱۳۹۷. بررسی وضعیت پایداری روستاهای شهرستان پلدختر براساس نگرش‌های زیست‌محیطی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای: ۱۶(۲). ص ۲۱۳-۲۴۱.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=530979>
 - فروتن‌کیا، ش. و نواح، ع.، ۱۳۹۷. جامعه‌شناسی محیط‌زیست، انتشارات اندیشه احسان، چاپ اول، تهران، ۳۷۲ ص.
 - فلیک، ا.، ۱۳۹۹. درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، چاپ ۱۱، تهران، ۴۹۲ ص.
 - کهیل، م.، ۱۳۹۳. محیط‌زیست و سیاست اجتماعی، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و سهراب امیربان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۳، ۱۹۶ ص.

- استراوس، ا. و کربین، ج.، ۱۳۹۷. مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، نشر نی، چاپ ۷، تهران، ۳۳۴ ص.
 - اینگلهارت، ر.، ۱۳۹۵. تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر، چاپ ۳، تهران، ۵۶۲ ص.
 - جاجرمی، ک.، پیشگاهی‌فرد، ز. و مهکویی، ح.، ۱۳۹۲. ارزیابی تهدیدات زیست‌محیطی در امنیت ملی ایران، فصلنامه راهبرد: ۲۲(۶۷). ص ۱۹۳-۲۳۰.
<http://ensani.ir/fa/article/336789/>
 - حیدری ساریان، و.، ۱۳۹۸. مطالعه و تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر در بهبود رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست مناطق روستایی، مطالعه موردی: شهرستان اردبیل، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی: ۳۰(۲). ص ۴۷-۶۴.
<https://civilica.com/doc/1212462/>
 - ساتن، ف.د.، ۱۳۹۲. درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست، ترجمه صادق صالحی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۲۹۵ ص.
 - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۹۵. معاونت آمار و اطلاعات، سامانه اطلاعات آماری استان گیلان.
<http://sdi.mpogl.ir/> (۱۳۹۹/۷/۹)
 - شمس‌الدینی، ع.، دهقانی، ا.، منوچهری، ف. و ابی‌زاده، س.، ۱۳۹۹. ارزیابی پایداری زیست‌محیطی و بررسی توزیع فضایی

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=258865>

- یزدانی، ه. و شمس، ع.، ۱۳۹۵. تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار زیست محیطی روستاییان شهرستان مریوان، فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار: ۴(۴). ص ۷۵-۸۵.

<http://ensani.ir/fa/article/377054/>

-Alam, S., Fatima, A. and Butt, M.S., 2007. Sustainable Development in Pakistan in the Context of Energy Consumption Demand and Environmental Degradation Journal of Asian Economics: 18(5), p. 825-837.

<https://econpapers.repec.org/article/eeeasieco/>

- Berenguer, J., Corraliza, J.A. and Martín, R., 2005. Rural-Urban Differences in Environmental Concern, Attitudes, and Actions. European Journal of Psychological Assessment: 21(2), p. 128-138.

<https://psycnet.apa.org/record/2005-02751-006>

- Bossel, H., 1999. Indicators for Sustainable Development; Theory, Method, Application, IISD, International Institute for Sustainable Development, Canada, 124 p.

-Brodhag, C. and Taliere, S., 2006. Sustainable development strategies: Tools for policy coherence, Natural Resources Forum: 30, p. 136-145.

- Castilho, L.C., De Vleeschouwer, K.M., Milner-Gulland, E.J. and Schiavetti, A., 2018. Attitudes and Behaviors of Rural Residents Toward Different Motivations for Hunting and Deforestation in Protected Areas of the Northeastern Atlantic Forest, Brazil. Tropical Conservation Science: 11, p. 1-14.

<https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/1940082917753507>

- Chen, Y., 2017. Practice of Environmentally Significant Behaviours in Rural China: From Being Motivated by Economic Gains to Being Motivated by Environmental Considerations. behavioral sciences: 7(59), p. 1-16.

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC5618067/>

- Dunlap, R.E. and Van Liere, K.D., 2008. The New Environmental Paradigm, The Journal of Environmental Education: 40(1), p. 19-28.

<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.3200/OEE.40.1.19-28>

- Geno, B., 2000. Replacing the New Environmental Paradigm (NEP) with an Ecologically Sustainable Development Paradigm (ESDP): Testing Scale Items on Rural and Regional Australian Occupational Groups. Sociological Sites/Sights, TASA Conference, Adelaide: Flinders University, p. 36-52.

- میرترابی، م.، شفیع، ف. و رضوانفر، ا.، ۱۳۹۲. به کارگیری منابع اطلاعاتی و کانال های ارتباطی در فرایند پذیرش مدیریت جامع پسماند روستایی، نشریه محیط زیست طبیعی: ۳(۳). ص ۳۲۹-۳۳۹.

- Groat, L.N. and Wang, D., 2002. Architectural research methods, New York: John Wiley and Sons, 467 p.

<https://www.wiley.com/en-gb/Architectural+Research+Methods,+2nd+Edition-p-9780470908556>

- Hilden, M., 1997. Guidelines for Environmental Impact Assessment (EIA) in the Arctic, Finnish Ministry of the Environment, Finland, 50 p.

- Huddart-Kennedy, E., Beckley, T.M., McFarlane, B.L. and Nadeau, S., 2009. Rural-Urban Differences in Environmental Concern in Canada. Rural Sociology: 74(3), p. 309-329.

<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1526/003601109789037268>

- Kumar Thakur, B., Sekhar Rout, H. and Chakraborty, T., 2014. Environmental Degradation, Sustainable Development and Human Well-being: Evidence from India. Journal of. Commerce and Management: 1(1), p. 101-120.

<http://www.isholar.in/index.php/MJCMJPI/article/view/59711>

- Nordlund, A. and Garvill, J., 2002. Value Structure behind Pro-environmental Behaviors, Journal of Environmental and Behavior: 34(6), p. 740-756.

https://www.researchgate.net/publication/249624481_Value_Structures_Behind_Proenvironmental_Behavior

- Oskamp, S., 2000. Psychological contributions to achieving an ecologically sustainable future for humanity. Journal of. Social Issues: 56(3), p. 373-390.

<https://www.researchgate.net/publication/227740320>

- Report of the world commission on environment and development: Our common future, 1987. Oxford University Press, 300 p.

<https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/5987our-common-future.pdf>

- UNCCD secretariat, 2013. A Stronger UNCCD for a Land-Degradation Neutral World, Issue Brief, Bonn, Germany, 15 p.

https://catalogue.unccd.int/225_Stronger_UNCCD_LDNWorld_web.pdf

- Mensah, J., 2019. Sustainable development: Meaning, history, principles, pillars, and implications for human action: Literature review. Cogent Social Sciences: 5(1), p. 1-21.

<https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/23311886.2019.1653531>
- Yale University, 2018-2020. Iran-Environmental Performance Index. <https://epi.yale.edu/> (1399/4/12).